

عنوان مقاله:

کاوشی بر نقش مولفه های کالبدی - عملکردی فضاهای میانی بر ارتقاء دلبستگی به فضاهای مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع های مسکونی منفرد، متمرکز و پراکنده تهران)

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، دوره 9، شماره 31 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

آمنه حاجی آقابزرگ - دانشجوی دکترا، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مریم چرخچیان - استادیار، گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

وحید قبادیان - استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

فضای میانی یعنی لحظه تغییر از فضایی به فضای دیگر، از عملکردی به عملکردی دیگر. مسکن از جمله مهم ترین نیازهای اولیه انسان می باشد که می بایست مامنی برای آسایش و آرامش ساکنین خود باشد. در معماری معاصر ایران نگرش کمی نسبت به مقوله مسکن سبب ایجاد فضاهایی فاقد برنامه ریزی و شکل گیری کالبدی مطلوب در راستای پاسخ گویی به ابعاد روحی و میزان دلبستگی کاربر فضای مربوطه شده است. از جمله مواردی که تاثیر چشمگیری در میزان ارتقاء حس رضایت و دلبستگی در مجتمع های مسکونی دارد؛ فضاهای میانی می باشد که در ساخت و ساز امروزی توجه مورد قبولی به این فضاها نمی شود. در پژوهش مربوطه سعی بر آن است با سنجش مولفه های معیارهای کالبدی و عملکردی-فعالیتی در فضاهای میانی مجتمع های مسکونی تهران میزان رضایت، حس تعلق و دلبستگی ساکنین مورد سنجش قرار داده شود. در پژوهش موردنظر ابتدا؛ جمع آوری اطلاعات، با ثبت رویدادها و فنون کار میدانی در سه مجتمع مسکونی در شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفته است که اولین معیار گونه شناسی این پژوهش بر اساس تعداد واحد های موجود به عنوان عامل تاثیرگذار در درک مقیاس مجتمع می باشد. تعداد واحدهای مسکونی هر مجتمع وارد نرم افزار اس.پی.اس.اس شده است. شکل گیری فضاهای میانی و قرارگیری مجتمع نسبت به آن به عنوان معیار دوم انتخاب می باشد که به صورت متمرکز، منفرد، پراکنده می باشد و از آنجایی که برای ارزیابی وزن مولفه های موثر بر دلبستگی به صورت کیفی نمی توان به تنهایی از روش فوق بهره جست در ادامه از طریق پرسشنامه و آنالیز داده ها از طریق نرم افزار آماری AMOS22 مورد تحلیل همبستگی قرار می گیرند و روابط معنادار بین متغیرهای دخیل در میزان دلبستگی استنباط می گردد. یافته ها بیانگر این مطلب می باشد که شاخص «کالبدی» از لحاظ تاثیرگذاری در رتبه اول و شاخص «عملکردی» از لحاظ تاثیرگذاری در رتبه دوم قرار دارند، به طوری که متغیر «شرایط محیطی» از مولفه های معیار کالبدی و متغیر «گونگونگی عملکردی» از مولفه های معیار عملکردی از لحاظ میزان تاثیرگذاری در ارتقاء حس دلبستگی در اولویت قرار دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت در نظر گرفتن معیارهای کالبدی و عملکردی در فضای میانی تاثیر بسزایی در جهت حس رضایت از تعامل، قلمرو خلوت، آسایش فیزیکی و روانی ساکنان را به همراه دارد.

کلمات کلیدی:

فضای میانی، معیار کالبدی، معیار عملکردی، مجتمع های مسکونی تهران، دلبستگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1458708>



